



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱/ اردیبهشت/ ۱۳۹۶

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۴ شعبان ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - مقدمات مفوته (تعلم)

صورت چهارم - کلام محقق نایینی درباره تعلم

جلسه: ۹۲

سال هشتم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض کردیم در مورد تعلم صور و انحائی قابل تصویر است که در جلسه قبل سه صورت آن را بیان کردیم و در این سه صورت مسئله وجوب تعلم مورد بررسی قرار گرفت.

#### صورت چهارم

صورت چهارم جایی است که ترک تعلم قبل از وقت موجب ترک واجب در ظرف خودش شود. منشاء ترک تعلم هم گاهی: الف) غفلت از تکلیف است مثل معاملات: بسیاری از مردم احکام معاملات را نمی دانند و از احکام معاملات و تکالیفی که در معاملات به گردن آن ها است غفلت دارند. لذا بواسطه عدم احاطه به تکالیف مربوط به عقود و معاملات نمی توانند معامله صحیح را از فاسد تشخیص دهند. لذا ممکن است معامله ای را به صورت فاسد انجام دهند، در حالی که به نظر آن ها نقل و انتقال صورت گرفته و هر یک تصرف در آن چیزی که به او منتقل شده است می کند. مثلاً خرید و فروشی انجام می دهند و به گمان این که با این خرید و فروش نقل و انتقال صورت گرفته هر یک در آن چه که به او منتقل شده تصرف می کند در حالی که این تصرف در مال غیر و حرام است و نقل و انتقالی به حسب واقع صورت نگرفته است.

منشاء این عمل، ترک تعلمی است که ناشی از غفلت است که منجر به ترک واجب در ظرف خودش می شود. به عبارت دیگر مردم نسبت به احکام و تکالیفی که در مورد معاملات متوجه آن ها است غفلت دارند.

ب) تمکن از امتثال آن ندارند مثل عبادات: مثلاً نماز مرکب از اجزا و شروط مختلف است. اجزاء از تکبیرة الاحرام شروع می شود و تا سلام ادامه دارد به علاوه مشروط به شرائط متعددی است مثل استقبال القبلة، طهارة البدن، طهارة الثوب. اگر کسی بخواهد با همه اجزاء و شرائط نماز آشنا شود و احکامش را یاد بگیرد نیاز به زمان دارد. حال فرض کنید کسی به لغت عربی نیز آشنا نباشد و این کار را سخت تر می کند. اگر شخصی این احکام را یاد نگیرد در حالی که سابقه ای نیز در این مورد نداشته و تازه می خواهد با نماز آشنا شود، معلوم است در زمان کوتاه امکان فراگیری همه اجزاء نماز برای او نیست و لذا ترک تعلم منجر به ترک واجب در ظرف خودش می شود. منشاء این ترک تعلم نیز عدم تمکن بوده است. یعنی در ظرف زمانی واجب دیگر تمکن از امتثال نیست، هرچند قبل از دخول وقت این امکان وجود دارد، ولی تعلم را رها کرده و اکنون در ظرف واجب می خواهد یاد بگیرد.

در این صورت بدیهی است که برای این شخص در این مدت زمانی محدود امکان تعلم وجود ندارد.

حال آیا تعلم قبل الوقت در این قسم واجب است یا خیر؟

همان طور که بیان شد، در صورت اول یعنی ترک تعلم قبل الوقت در حالی که اثری برای تعلم نیست اشکالی ندارد و تعلم در آن صورت واجب نیست.

صورت دوم جایی بود که اگر تعلم ترک شود در تمییز واجب از غیر واجب تاثیر دارد نه در امتثال اصل واجب. آن هم جایی است که شخص به امتثال اجمالی روی بیاورد و امتثال تفصیلی را ترک کند. با این که تمکن از امتثال تفصیلی دارد اما امتثال اجمالی را اختیار می کند. در این جا نیز تعلم واجب نیست زیرا ترکش موجب استحقاق عقوبت نیست چون منجر به مخالفت با مولا نمی شود صورت سوم نیز جایی بود که تعلم ترک شود و بعد از دخول وقت یا تحقق شرائط نه امکان امتثال اجمالی باشد نه امتثال تفصیلی در این صورت تعلم واجب است که ملاکش قبلا بیان شد.

صورت چهارم جایی است که اگر کسی قبل الوقت ترک تعلم کند، نتیجه اش ترک واجب در ظرف خودش است. یعنی منجر به این می شود که واجب در ظرف خودش فوت شود. مثل مثال هایی که در باب معاملات و عبادات به آن ها اشاره شد. در این صورت تعلم قبل الوقت واجب است. زیرا عقل می بیند اگر احکام و تکالیف مربوطه فرا گرفته نشود غرضی که از ناحیه مولا تعقیب می شده و الزامی نیز بوده و آن سبب شده که تکلیف کند فوت می شود. یعنی ترک تعلم مستلزم تفویت غرض الزامی مولا است و اگر عقل ببیند به واسطه ترک تعلم غرض الزامی مولا فوت می شود استقلالا حکم به استحقاق عقاب چنین شخصی می کند. زیرا از نظر عقل هرچند مکلف به واسطه ترک تعلم الان تمکن از امتثال واجب ندارد، ولی به حسب قاعده الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار مستحق عقوبت است. به عبارت دیگر هر چند الان امتثال تکلیف برای مکلف ممتنع است ولی این امتناع امتثال تکلیف ناشی از اختیار خودش بوده و خودش به دست خودش شرایطی را فراهم کرده که نتواند اتیان به تکلیف داشته باشد.

این در صورتی است که واجب مشروط به قدرت خاص شرعی از ناحیه تعلم باشد. اما اگر مشروط به قدرت خاصه شرعی از این ناحیه نباشد در این صورت تعلم قبل از دخول وقت لازم نیست. زیرا قبل از این قدرت هنوز وجوبی برای واجب ثابت نشده است و اگر وجوب ثابت نشود تعلم نیز که مقدمه اتیان به واجب در ظرف خودش است واجب نخواهد بود. مسئله تفویت غرض الزامی مولا نیز پیش نمی آید زیرا این جا اساسا آن قدرت خاصه شرعی به عنوان شرط ذکر نشده است.

این اجمالی از صوری است که محقق خوبی در این مقام بیان کرده اند.<sup>۱</sup>

### کلام محقق نایینی

جهت روشن شدن مطلب ابتدا باید کلام محقق نایینی نیز ذکر شود.

محقق نایینی عقیده دارد به طور کلی تعلم و معرفت احکام داخل در مقدمات مفوته نیست.<sup>۲</sup> قبلا به کلام محقق نایینی اشاره نمودیم که ایشان می فرمایند: ملاک وجوب تعلم دفع ضرر محتمل است و این در واقع به این معنا است که این ربطی به مقدمات مفوته ندارد. اینجا نقطه اختلاف محقق نایینی و محقق خوبی است.

دلیل محقق نایینی بر این که مسئله تعلم از مقدمات مفوته محسوب نمی شود چیست؟

سابقا هم بیان کردیم که یک بحث کلی راجع به سایر مقدمات مفوته داریم و یک بحثی نیز در مورد تعلم داریم. در باب مقدمات مفوته به تفصیل بحث کردیم. اکنون بحث ما در مورد تعلم است.

<sup>۱</sup> محاضرات، ج ۲، ص ۱۹۶-۲۰۰.  
<sup>۲</sup> اجودالتقریرات، ج ۱، ص ۱۵۴ الی ۱۵۷

محقق نایینی می فرماید: مسئله تعلم جزء مقدمات مفوته نیست. یعنی یادگیری احکام و شناخت احکام جزء آن مقدماتی نیست که اگر ترک شود نتیجه اش عدم قدرت بر اتیان به واجب باشد. اگر مکلف یاد نگیرد همچنان واجب برای او مقدور است و شاهد بر این مطلب تعلق تکلیف به مکلف در حال جهل است. آیا اگر کسی نداند و جاهل باشد، تکلیف متوجه او نیست؟ بله همان طور که تکلیف در حال علم به مکلف متوجه می شود در حال جهل نیز به او متوجه می شود، منتهی فرق اینها به مسئله تنجز بر می گردد. تکلیف متوجه شخص جاهل می شود، منتهی جاهل عذر دارد و عذر او جهل او است. فرق است بین توجه تکلیف و تنجز تکلیف. به هر حال تکلیف در هر صورت متوجه انسان می شود. چه عالم باشد چه جاهل باشد. بر این اساس اگر مسئله توجه تکلیف به انسان در حال جهل را صحیح بدانیم قهرا دیگر جایی برای این نیست که بگوییم اگر کسی تعلم را ترک کرد، منجر به عدم قدرت بر اتیان به تکلیف است. به عبارت دیگر محقق نایینی می خواهد بگوید مسئله تعلم با آن مقدماتی که برای حج لازم است که اگر اتیان نشوند حج دیگر مقدور انسان نیست فرق می کند. آن مقدمات، یعنی مقدمات مفوته مقدماتی هستند که اگر انسان آن ها را انجام ندهد نمی تواند به واجب در وقت خودش عمل کند. اما مسئله تعلم این طور نیست، زیرا اینجا مسئله الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار پیش نمی آید. این ملاک در سایر مقدمات وجود دارد، اما در مورد تعلم وجود ندارد. زیرا اگر کسی تعلم را ترک کند تارة امکان احتیاط برای او وجود دارد و می تواند به واجب در ظرف خودش اتیان کند که همان امتثال اجمالی یعنی صورت دوم است که منجر به عدم قدرت بر واجب نمی شود. اگر ترک تعلم شود یعنی کسی اقدام به یادگیری حکم نماز شکسته و تمام نکند، فویش این است که در جایی که مورد ابتلاء او است هم نماز شکسته می خواند و هم نماز تمام. آیا در این صورت که امکان امتثال اجمالی است تعلم واجب است؟ خیر. زیرا به هر حال با امتثال اجمالی و احتیاط یقین می کند که به وظیفه اش عمل کرده. پس اگر تعلم را ترک کند مشکلی پیش نمی آید.

گاهی از اوقات اگر کسی تعلم را ترک کند آن وقت نمی تواند در ظرف امتثال احراز کند امتثال کرده است. یعنی امکان احتیاط و امتثال اجمالی و امتثال تفصیلی برایش نیست. زیرا مکلف احکام را یاد نگرفته. در این صورت او بواسطه ترک تعلم می تواند یک وظیفه را انجام بدهد. مثلا چون وقت نماز کم است نمی تواند بیش از یک نماز چهار رکعتی بخواند یا باید یک نماز دو رکعتی بخواند یا یک نماز چهار رکعتی؛ وقت ندارد هر دو را بخواند. اگر به یکی از این دو نماز اکتفا کند نهایتش این است که احتمال می دهد نمازی که خوانده همان مامور به واقعی باشد. یعنی احتمال می دهد که نماز او قصر باشد و همچنین احتمال می دهد که وظیفه او نماز تمام باشد و فرض نیز این است که این شخص یک نماز بیشتر نمی تواند بخواند. قبلا هم اقدامی برای یادگیری نکرده که معلوم شود وظیفه اش نماز تمام است یا شکسته.

اگر فرض کنیم به خاطر ضیق وقت یکی از این دو نماز را بخواند نهایتش این است که احتمال دارد وظیفه واقعی او همین نمازی باشد که خوانده، هر چند احتمال دارد مطابق با واقع نباشد در این صورت تعلم به ملاک لزوم دفع ضرر محتمل واجب است که دیروز بیان شد.

وقتی گفته می شود، به ملاک لزوم دفع ضرر محتمل تعلم واجب است دیگر به مقدمات مفوته مربوط نمی شود. در ما نحن فیه گفته نمی شود که چون داری کاری می کنی که واجب از شما ترک می شود پس باید قبلش احکام را یاد بگیری. این صورت نیز همان صورت سوم است که دیروز عرض کردیم.

در صورت اول نیز که دیروز بیان شد، اساساً هیچ تأثیری در واجب و اتیان به واجب ندارد و خود به خود قهراً خارج می شود. صورت چهارم نیز صورتی است که امروز بیان شد که این جا نیز در واقع اگر عقل حکم به لزوم تعلم می کند این هم به ملاک لزوم دفع ضرر محتمل است.

به نظر محقق نایینی به دو جهت تعلم جزء مقدمات مفوته نیست:

۱. ملاک لزوم اتیان به تعلم قبل از وقت واجب لزوم دفع ضرر محتمل است در حالی که در مقدمات مفوته ملاک لزوم اتیان به مقدمات مفوته یا قاعده الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار است یا جلوگیری از تفویت غرض الزامی مولا. پس ملاک در اینجا مسئله لزوم دفع ضرر محتمل است. اگر عقل می گوید باید یاد بگیری و اگر یاد نگیری مستحق عقاب هستی به این جهت است که از قبل یک ضرر احتمالی پیش بینی می شود و برای این که ضرر احتمالی و عقاب احتمالی دامنش را نگیرد باید آن را دفع کند. پس ملاک در مقدمات مفوته، لزوم دفع ضرر و عقاب محتمل نیست.

۲. در مورد مقدمات مفوته استحقاق عقاب از زمان ترک آن مقدمات ثابت می شود، یعنی اگر کسی آن وقتی که باید برود دنبال مقدمات حج و بلیط و ویزا بگیرد تا بتواند در ایام حج در منا و عرفات باشد، این کار را ترک کند استحقاق عقاب از همان لحظه ترک مقدمه شروع می شود. اما در مورد تعلم این طور نیست، یعنی این گونه نیست که چون الان احکام نماز را یاد نگرفته استحقاق عقاب داشته باشد. استحقاق عقاب در مورد ترک تعلم از وقتی پیدا می شود که مکلف نمازش را بخواند و نمازش مخالف با واقع باشد. آن وقت است که مستحق عقاب است. زیرا ممکن است این آدم با این که یاد نگرفته تصادفاً نماز تمام بخواند و بعد مشخص شود که نمازش با واقع منطبق بوده. لذا جایی برای استحقاق عقاب نیست. درست است که اتفاقاً عمل او مطابق با واقع بوده اما از اول در صورتی مستحق عقاب بود که مخالفت با تکلیف کند. اگر مخالفت با تکلیف کرد استحقاق عقاب دارد، اما اگر در مقام واقع مخالفت با تکلیف نکرد و همان تکلیفی که بر گردنش بود را انجام داد دیگر جایی برای استحقاق عقاب نیست

پس فرق دومی که تعلم را از سایر مقدمات مفوته جدا می کند این است که در مقدمات مفوته استحقاق عقاب از زمان ترک مقدمات ثابت می شود ولی در مورد تعلم از زمانی ثابت می شود که عملاً بعد از اتیان به واجب معلوم شود که این مخالف با واقع است.

به عبارت دیگر عمده این است که به مجرد ترک تعلم واجب ترک نمی شود. ولی آن جا به مجرد ترک مقدمات واجب را باید معدوم فرض کرد.

این محصل فرمایش محقق نایینی است که باید با نظر محقق خوبی مقایسه شود تا معلوم شود که حق با محقق نایینی است یا محقق خوبی.

«الحمد لله رب العالمین»